

استعفای سومین نخست‌وزیر فرانسه، ساختار سیاسی – اجتماعی جمهوری پنجم را زیر سوال برد؛

بی‌ثباتی در الیزه و تزلزل دومین اقتصاداروپا

رامین برتو

کاخ الیزه روز گذشته (دوشنبه) اعلام کرد که «سیاستین لوکورتو»، نخست‌وزیر تازه‌منصب فرانسه، پس از تنها ۲۷ روز حضور در رأس دولت، از سمت خوداستعفا کرده‌وامانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نیز بااین استعفاموافقت کردوبدین ترتیب یکی از کوتاه‌ترین نخست‌وزیری‌های تاریخ جمهوری پنجم‌فرانسه در دفتر سیاسی این کشور به ثبت رسید. لوکورتو، که پیش‌تر وزیر دفاع فرانسه بود، در ۹ سپتامبر ۲۰۲۵ (۱۸ شهریور ۱۴۰۴) به عنوان هفتمین نخست‌وزیر مکرون منصوب شد تا شاید بتواند بن‌بست سیاسی موجود میان کاخ الیزه و پارلمان چنددسته فرانسه را پایان دهد، اما فشار احزاب، اختلافات داخلی، و تهدیدهای مکرر به رأی عدم اعتماد، نخست‌وزیر جوان را به سرعت از میدان خارج کرد

او تنها چند ساعت پس از معرفی کابینه جدیدش، در حالی که قرار بود نخستین نشست رسمی خود را باوزیران بر گزار کند، با موجی از انتقادات از هر دو سوی طیف سیاسی مواجه شد؛ تر کیب کابینه‌ای که از نگاه برخی بیش از حد راست‌گرا و از نظر گروهی دیگر بیش از اندازه میانه‌رو بود، توازن شکننده‌ای را همان ابتدا میان‌برد. در پارلمانی که هیچ حزبی اکثریت ندارد، این ناهماهنگی کافی بود تا نخست‌وزیر جدید نتواند حتی برای معرفی رسمی سیاست‌های دولتش به مجلس ملی فرصت یابد.

در این راستا روزنامه لوموند در تحلیلی نوشت: «لوکورتو نخست‌وزیری بود که پیش از شروع واقعی کار از درون تضعیف شد، او تلاش کرد با اتحادیه‌ها و نمایندگان کارگری درباره بیمه بیکاری، رفاه اجتماعی و تأمین معیشت به توافق برسد، اما از همان آغاز میان آتش مخالفان و سکوت سرد متحدان گرفتار آمد.» به نوشته لوموند، استعفای او همچون «دومینوی سقوط» یار دیگری بی‌ثباتی را به دولت مکرون تحمیل کرد و فرانسه را در برزخ سیاسی ناز‌های فروبرده‌است.

فروپاشی اعتماد عمومی و هشدار بازارها

استعفای غیرمنتظره لوکورتو نه تنها عرصه سیاسی، بلکه فضای اقتصادی فرانسه



بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در جریان گفت‌وگویی با شبکه یورونیوز، به اقدام اخیر چندین کشور اروپایی در به رسمیت شناختن کشور فلسطین اشاره کرد و اظهاراتی گستاخانه مدعی شد: «برخی کشورهای اروپایی در برابر تروریسم تسلیم شده‌اند.» وی بار دیگر ادعا کرد: «به رسمیت شناختن کشور فلسطین بزرگ‌ترین پاداش برای حماس پس از بزرگ‌ترین کشتار یهودیان از زمان هولو کاست است.» نتانیاهو به رویدادهای ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ اشاره کرد و افزود: «به همین دلیل اروپا عملاً



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با انتشار پیمای گفت: «این آخر هفته، مذاکرات بسیار مثبتی با حماس و کشورهای مختلف جهان (اعم از عرب، مسلمان و سایر کشورها) برای آزادی گروگان‌ها (زندانیان اسرائیل)، پایان دادن به جنگ غزه و مهم‌تر از آن، برای دستیابی به صلح در خاورمیانه انجام شده‌است.»

اودر ادامه گفت که این مذاکرات «بسیار موفقیت‌آمیز» بوده و به سرعت در حال انجام‌است. رئیس‌جمهور آمریکاهمچنین در پیام خود که در پلتفرم «تروث‌سوشال» منتشر شد، اشاره کرد که تیم‌های فنی روز دوشنبه دوباره در مصر دیدار خواهند کرد تا جزئیات نهایی مرتبط با توقف درگیری رژیم صهیونیستی و مقاومت فلسطین را

ترامپ: اولین مرحله توافق غزه در مسیر نهایی شدن است

بررسی و روشن کنند. ترامپ نوشت: «به‌من گفته‌شده‌است که مر حله اول باید این هفته تکمیل شود و از همه می‌خواهم که سریع اقدام کنند. من به نظارت بر این درگیری چند صد ساله ادامه خواهم داد. زمان بسیار مهم است، و اگر نه خونریزی عظیمی در پی خواهد داشت. چیزی که هیچ‌کس نمی‌خواهد ببیند.» رئیس‌جمهور آمریکا روز یکشنبه هم گفته بود که اگر حماس اصرار کند که همچنان قدرت در غزه حفظ کند، «ویرانی کامل» مواجه خواهد شد. او همچنین در پی‌تری در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشته بود: «اسرائیل با خط اولیه عقب‌نشینی موقت رفت کرده‌است، ما آن را به حماس نشان داده‌و به‌اشتراک گذاشته‌ایم. وقتی حماس تأیید کند، آتش‌بس بلافاصله برقرار خواهد شد، تبادل اسرا و زندانی‌ها آغاز می‌شود و ما با ایجاد شرایط مر حله بعدی عقب‌نشینی، به پایان این فاجعه ۳۰۰۰ ساله نزدیک خواهیم شد.»

کنتونی را شخصاً بپذیرد. لوموند نیز با انتشار به این مواضع نوشت: «مانوئل مکرون اکنون در خط مقدم تنها ایستاده است؛ چرا که نه اکثریتی در پارلمان دارد، نه اعتماد افکار عمومی و نه چهره‌ای در دولت که بتواند بحران را مهار کند.»

در سوسی دیگر از نگاه اتحادیه اروپا، بحران در پاریس نگران‌کننده‌است. فرانسه، به‌عنوان قدرت‌آتمی اتحادیه و یکی از ارکان اصلی شورای امنیت، نقشی کلیدی در ثبات اروپا دارد و پرو کسسل بیم آن دارد که ادامه بی‌ثباتی در پاریس، توان رهبری اتحادیه در موضوعات راهبردی مانند امنیت انرژی، دفاع مشترک و حمایت از اوکراین را تضعیف کند. رسانه‌های آلمانی از جمله اشپیکل و دی‌ولت نیز با لحنی نگران نوشتند که «اروپا نمی‌تواند شاهد سقوط سیاسی دومین اقتصاد خود باشد در حالی که افراط‌گرایی در شرق و جنوب‌قاره در حال اوج‌گیری است.» بر اساس تحلیلی که در هفته‌نامه پولیتیکو یورپ منتشر شده، بحران علیه مکرون نه تنها یک بحران داخلی بلکه تهدیدی برای نظم سیاسی کل اتحادیه اروپا است و اگر فرانسه در اداره خود دچار فلج سیاسی شود، پروژه اروپایی برای اتحاد بیشتر و تقویت دفاع مشترک با چالش جدی مواجه خواهد شد.

همچنین به زعم تحلیلگران اروپایی بحران در داخل فرانسه، نشانه فروپاشی تدریجی جمهوری پنجم است؛ نظامی که از زمان شارل دوگل بر محور تمرکز قدرت در ریاست‌جمهوری بنا شده و حالا این ساختار در شرایطی که رئیس‌جمهور اکثریت پارلمانی را از دست می‌دهد، عملاً فلج می‌شود؛ همان گونه که امروز مکرون گرفتار آن است!

از منظر سیاسی، ادامه این بن‌بست می‌تواند زمینه‌ساز خیزش مجدد راست افراطی در فرانسه و دیگر پایتخت‌های

تکرار استعفا هادر فرانسه، فروپاشی کابینه‌ها، و ناتوانی در تشکیل دولت با ثبات، نشان می‌دهد که جمهوری پنجم در این کشور به بازنگری ساختاری نیاز دارد؛ چرا که فرانسه امروز، نه تنها در بحران سیاسی، بلکه در بحران مشروعیت گرفتار شده که اگر مهار نشود، می‌تواند به سراسر اروپا سرایت کرده و آینده سیاسی این قاره را دگرگون کند

اروپایی باشد. بحران در پاریس، احزاب پوپولیست را در م، وین، بوادپست و آمستردام جسورتر خواهد کرد تا ز «شکست نخبان میانه‌رو» به نفع گفتمان ملی‌گرایانه خود بهر میرداری کنند. هم‌اکنون نیز نظر سنجی‌ها در فرانسه نشان می‌دهد که حزب «اجتماع ملی» با فاصله‌ای چشمگیر از رقبای میانه‌رو پیش افتاده‌است.

به تعبیر یکی از تحلیلگران لوموند، امانوئل مکرون که خود را ناجی سیاست فرانسه می‌دانست، امروز در موقعیتی قرار گرفته که شاید تنها راه راهی از بحران، استعفای خودش باشد و اساساً او در واقع در برابر سه گزینه دشوار ۱- انتصاب نخست‌وزیر جدید از میان چهره‌های بی‌طرف‌تر برای جلب حمایت سوسیالیست‌ها یا جمهوری خواهان میانه‌رو، ۲- انحلال دوباره مجلس ملی و برگزاری انتخابات تازه که سال گذشته نیز با شکست مواجه شد و ۳- پذیرش مسئولیت مستقیم بحران و کناره‌گیری از ریاست‌جمهوری قرار دارد.

در هر سه سناریو، چشم‌انداز ثبات برای فرانسه مبهم است. آنچه قطعی به نظر می‌رسد، فرسایش قدرت سیاسی مکرون و فروپاشی اعتماد عمومی به ساختار ریاست‌جمهوری است؛ بحرانی که از مرزهای فرانسه فراتر رفته و می‌تواند دومینویی از تحولات را در اتحادیه اروپا رقم بزند. اگر این بی‌ثباتی ادامه یابد، اتحادیه اروپا ممکن است شاهد گسترش موج پوپولیستی و افراط‌گراییانه‌ای باشد که از پاریس تا ورشو و مادرید را فرا بگیرد؛ موجی که به‌آمده‌از ناامیدی مردم از احزاب سنتی و نظام‌های متمرکز قدرت است. به نظر تحلیلگران، «فرانسه امروز، آینه آینده اروپا» است؛ اروپایی که میان بحران اعتماد، فشارهای اقتصادی و چالش‌های مهاجرتی در جست‌وجوی ثبات گم‌شده‌خود می‌گردد.

فرجام‌سخن

استعفای سیاستین لوکورتو نه تنها نقطه پایانی بر نخست‌وزیری کوتاه‌مدت او بود، بلکه نمادی از بحرانی عمیق‌تر در ساختار سیاسی فرانسه است؛ بحرانی که در آن رئیس‌جمهور بدون اکثریت پارلمانی، نمی‌تواند سیاست پایدار پیش ببرد. تکرار استعفا، فروپاشی کابینه‌ها، و ناتوانی در تشکیل دولت با ثبات، نشان می‌دهد که جمهوری پنجم فرانسه به بازنگری ساختاری نیاز دارد. در فرانسه امروز، نه تنها در بحران سیاسی، بلکه در بحران مشروعیت گرفتار شده‌است؛ بحرانی که اگر مهار نشود، می‌تواند به سراسر اروپا سرایت کرده و آینده سیاسی این قاره را دگرگون کند.

جهان نما

طالiban:
پایگاه هوایی بگرام را به آمریکانمی‌دهیم
سختگوی طالبان در پاسخ به سوایى در باره اظهارات آمریکا اجازه واگذارى سرزمینشان را نخواهند داد، اگر چه گفت‌وگوهاى با آمریکا در باره بازگشاییى سفارت‌خانه‌هاى طرفین در جریان است. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوى طالبان در گفت‌وگوى بار دیگر بیان کرد که افغان‌ها هیچ گاه اجازه نخواهند داد سرزمین آن‌ها تحت هیچ شرایطى به کسى واگذار شود. با این حال، مجاهد در گفت‌وگو با اسکای نیوز اعلام کرد که این گروه حاکم بر افغانستان با آمریکا در باره بازگشاییى سفارت افغانستان در واشنگتن و سفارت آمریکا در کابل گفت‌وگو کرده‌است. او افزود: «هادر باره این موضوع گفت‌وگو کرده‌ایم و مایلیم سفار، تخته‌ها در کابل و واشنگتن باز گشایی شوند.» پیشتر «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در دیدار با «کر استارمر» نخست‌وزیر انگلیس در لندن گفت که واشنگتن در تلاش است تا پایگاه هوایی بگرام را از طالبان پس بگیرد، اگرچه جزئیات مذاکرات تاکنون محرمانه مانده‌است. ترامپ در ادامه گفت بخشی از انگیزه‌اش برای تلاش جهت بازپس‌گیری این پایگاه به دلیل نزدیکی آن به یک سایت است که چین در آن سلاح‌های هسته‌ای تولید می‌کند و از اینکه کنترل ایالات متحده بر بگرام در طول خروج آمریکا تحت ریاست جمهوری «جو بایدن» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا حفظ نشد، ابراز تاسف کرد.



رسانه انگلیسی نوشت، در مدت چهار سالی که طالبان به قدرت رسیده‌است، تنها روسیه به‌طور رسمی دولت آن را به رسمیت شناخته‌است. ذبیح‌الله مجاهد با گفتن این که طالبان «مشکل مشروعیت» ندارد، نوشت: «فقط روسیه نیست که امارت اسلامی را به رسمیت شناخته‌است. کشورهای دیگری نیز هستند که اعلام کرده‌اند آن را به رسمیت می‌شناسند، اگر چه به شکل غیر علنی.» مجاهد که یکی از افراد مورد اعتماد رهبر طالبان است، همچنین از تأیید این که دختران افغان زمنی نتوانند به کلاس درس بازگردند خودداری کرده و گفت که «همی توام، در این زمینه هیچ‌قولی بدهم.» وزارت آموزش افغانستان در زمان به قدرت رسیدن طالبان گفت که تعطیلی مدارس موقت خواهد بود و وعده داد که به محض مشخص شدن برخی سیاستگذاری‌ها به پایبندی به «اصول قوانین اسلامی و فرهنگ افغانستانی» را تضمین کند، بازگشایی خواهند شد. از سوی دیگر اسکای نیوز گزارش داد که افغانستان اخیرا با قطعی سراسری ۴۸ ساعته اینترنت مواجه شد که منجر به اختلال گسترده در فعالیت بانک‌ها، خطوط هوایی ملی و دسترسی کاربران عادی افغانستانی به اینترنت در این کشور شده‌است. سختگوی طالبان با خودداری از پاسخ به این سوال که آیا دولت دستور این قطعی سراسری را داده‌بود، گفت که هنوز اطلاعی از دلیل آن ندارد. او در این‌باره گفت: «ما هیچ تماس رسمی‌ای از وزارت ارتباطات دریافت نکرده‌ایم. بنابر این، در موقعیتی قرار نداریم که بتوانیم توضیحی در این باره بدهیم.» این در حالی است که یکی از سرویس‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی در افغانستان در یک ایمیل مدعی شد که قطعی اینترنت به دستور دولت انجام‌شد. همچنین فعالان حقوق بشری مدعی شدند که قطعی اینترنت مصداق اقدام به سانسور بود که به شهروندان عادی افغانستان، از جمله زنان و دختران آسیب می‌زند که اکنون به شکل آنلاین ادامه تحصیل می‌دهند. این اقدام در پی محدودیت‌های پیشین اعمال‌شده بر دسترسی به اینترنت در برخی ولایت‌های افغانستان انجام‌شده که هدف آن «جلوگیری از بی‌اخلاقی» عنوان شده‌بود. در ادامه این مطلب اشاره شد که افغانستان هنوز در میانه یک بحران اقتصادی قرار دارد و چندین سال خشکسالی شدید، آزار گدارنده‌است. سختگوی طالبان در گفت‌وگو با اسکای نیوز بیان کرد که افغانستان از «صلح و ثبات نسبی ذیل دولتی متحد» برخوردار شده‌است، امنیت بیشتری در آن برقرار شده‌است و «شانه‌های آشکار با زبانی اقتصادی» در آن مشهود است، اگرچه طبق اعلام یونیسف، سوءتغذیه در این کشور تشدید شده‌است و ۹۰ درصد از کودکان زیر پنج سال از فقر غذایی رنج می‌برند. به گفته مجاهد، این وضعیت «نتیجه دهه‌ها درگیری و دو حمله بزرگ است که کمترین آسیانی نسبت به نقش موثری داشته‌است، اما مادرانی که کودکان دچار سوءتغذیه خود را به مراکز درمانی در کوشان واقع در شمال شرقی افغانستان برده‌بودند، به اسکای نیوز گفتند که دولت نیز در این وضعیت مقصر است، چرا که آن‌ها دیگر طبق قوانین طالبان اجازه کار کردن ندارند و نمی‌توانند برای تغذیه کودکانشان در آمدی کسب کنند. با این حال، مجاهد این ادعا را رد کرده و گفت که «مردان در اکثر خانوارها تأمین‌کنندگان اصلی هستند»، زنان طبق قوانین طالبان دیگر قادر به آموزش دیدن برای پزشکی و پرستاری نیستند و سازمان ملل این سیاست را «عصفا تبعیض‌آمیز» دانسته‌است که زندگی زنان و کودکان را به‌ویژه‌های مختلف به‌خطر می‌اندازد.» با این حال، سختگوی طالبان می‌گوید این کشور «از قبل به تعداد کافی پزشک‌رن داشته‌است.» مجاهدا اشاره به تفاوت عمده میان سیاست‌های طالبان و دیگر بخش‌های جامعه جهانی گفت: «ما محققان اسلامی زیادی داریم که درباره این مسئله تفکر خواهند کرد و راهکار مناسبی طبق شرعیت اسلام خواهند یافت.»



شدن به یک قدرت بزرگ قدم بردارد. سینگ در همین راستا به دیدار اخیر نازندر امودی نخست‌وزیر هند با ششی جین پینگ رئیس‌جمهوری چین پس از هفت سال وقفه اشاره و تأکید می‌کند این دیدار نشانه‌ای آشکار از بهبود روابط دوجانبه بود؛ به‌ویژه با توجه به اینکه تنش‌ها میان دو کشور از زمان رویارویی نظامی در مرز مشترک و درگیری‌های محدود در سال ۲۰۲۰ ادامه داشته‌است. با این حال، روابط هند با آمریکا مسیری کاملاً معکوس را طی کرده‌است. این کارشناس با بیان اینکه رابطه خوب میان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا با مودی به‌عنوان یک مزیت برای کاهش تعریف‌های ایالات متحده بر محصولات هندی محسوب می‌شود، تصریح کرد که اعمال تعرفه ۵۰ درصدی بطاخر خرید نفت از روسیه، روابط دوجانبه در پایین‌ترین سطح قرار داد و موجب زمینه افزایش احساسات ضدآمریکایی در داخل هند ایجاد کرد.